



کسب

نمره صد و یکم / شهریور ماه ۹۷



مدیر خانه سینما: در معنای برگزاری جشن خطا کردیم

برگزارِ برگزارِ که نکردیم!

«عدم حضور مدیر اجرایی جشن خانه سینما در مراسم»

«میری: گفتند لغو شده من هم رفتم خارج!»

«رئیس جشن: من در جریان آران نیستم»

«نامزدهای دعوت نشده: اتفاقاً ما هم نیستم!»

خانه سینما اعلام کرده بود که جشن خانه سینما به خاطر همدردی با مردم در مشکلات برگزار نمی‌شود. در همین راستا هفته پیش هزار نفر به تالار وحدت رفتند و جشن را برگزار نکردند!

این افراد که همگی از هنرپیشه‌ها و اهالی سینما بودند، با تپ‌هایی که حاکی از همدردی با مشکلات مردم بود دو سه ساعت در سالن مشغول برگزار نکردن جشن خانه سینما بودند و در نهایت با انتقاد از نحوه برگزاری سالن را ترک کردند.

جالب اینکه مدیر اجرایی این جشن، مازیار میری، در هنگام مراسم در خارج از کشور به سر می‌برد و کسی هم تعجب نکرد چون قرار نبود جشن برگزار شود پس مدیر اجرایی هم لازم نداشت و دیدیم که بدون مدیر هم فرقی نمی‌کرد!

استاد علی نصیریان، رئیس جشن خانه سینما در ابتدای این مراسم بیان کرد: «قابلیت‌ها همه جای دنیا هست و خوب است که اینجا هم باشد. البته من در جریان آران نیستم ولی گفته شد که کسی اعمال نفوذ نکرده و نتایج براساس آرا به دست آمده است.»

خب این هم یک امر طبیعی است چون هنگامی که جشنی در کار نباشد آرای هم نیست و رئیس جشن هم در جریان آرا نیست و از همه بهتر آنکه مطمئناً هیچ کسی هم اعمال نفوذ نمی‌کند! اما به طور خودجوش یک فیلم تمام جواز را درو می‌کند که این هم کاملاً طبیعی است و نشان دهنده رقابت خوبی است که همه جای دنیا هم هست. استاد نصیریان گفتند ما که نگفتیم!

دلیل از این محکم‌تر که بعضی از نامزدهای جواز اصلاً دعوت نشده بودند! خود این مسئله گواه صداقت برگزار کنندگان است. خب لابد خودشان در جریان نبوده‌اند که نامزدها را دعوت نکرده‌اند دیگر!

منوچهر شاهسوری، مدیر خانه سینما که قبلاً بابت لغو جشن خانه سینما مورد نقد شدید قرار گرفته بود، در این مراسم گفت: «در معنای برگزاری جشن و انتشارش خطا کردیم که اینگونه مطرح شد که ما نمی‌خواهیم جشن برگزار کنیم.» ایشان توضیح ندادند ولی خودمان فهمیدیم که وقتی می‌گویند جشن برگزار نمی‌شود معنایش این نیست که اصلاً برگزار نشود. منظور این است که برگزار می‌شود ولی ما می‌گوییم که نمی‌شود! این دو تا مسئله جدا و علی‌حده است! ما هم الان جشن را برگزار نکردیم! فقط یک کمی برگزار کردیم که با این وضع انتقادها به دوری و غیره اصلاً نمی‌شود اسم جشن روی آن گذاشت و همان بهتر که برگزار نمی‌کردیم!



دولت حرف ندارد؟

اقدام برای واردات حرف

«آقای نویخت! کجایی؟ دلمان تنگ شد»

اینکه دولت هیچ کسی را به جای آقای نویخت (یادش بخیر) معرفی نمی‌کند دو دلیل بیشتر نمی‌تواند داشته باشد، یا سختگو

ندارد، یا سخنی برای گفتن ندارد!

ما قبلاً به عزیزان هشدار داده بودیم که اینقدر حرف نزنید و یک کمی از حرف‌ها را هم بگذارید برای بعد، حرف نزنه را همیشه می‌توان زد. گفته بودیم اگر همه حرف‌ها را همین حالا بنویسید پس فردا حرف‌هایتان تمام می‌شود چیزی برای گفتن گیر نمی‌آورد! همین هم شد، حالا امروز همان پس فردا است! سختگوی دولت از کار بیکار شده چون چیزی ندارد بگوید!

در این شرایط مجبوریم حرف از خارج وارد کنیم. پیشنهاد می‌دهیم آقای نعمت‌زاده دوباره به عرصه مدیریت کشور بیایند و از استعدادشان برای واردات استفاده کنیم. یک روز ایشان گفت مدیر وارد کنیم ما بهش خندیدیم، حالا به روزی افتادیم که باید مصاحبه و حرف و سخن مدیران را وارد کنیم! خودشان که با مردم حرف نمی‌زنند، صدایشان هم می‌کنیم جواب نمی‌دهند. حق دارند، دولت حرف ندارد! آقای نعمت‌زاده! دست به کار شوید!

رابطه پوشک و فمینیسم

بحران نزدیک است، بوی آن را حس می‌کنم!

خارجی استفاده کنیم. این مسئله خیلی حساس است چون آن چیزی که می‌خواهیم توی پوشک بچه‌ها کار بگذاریم باید جوری باشد که هم بچه را اذیت نکند هم قیمتش مناسب باشد که برای تولیدکننده بصر فدا. لذا پیشنهاد خود من کاغذ است!

این بحران از یک منظر برای استحکام خانواده‌ها مفید است. اگر قضیه بیخ پیدا کند و مادران ناچار شوند به کهنه و لاستیک قدیم متوسل شوند، شاهد حضور پرنگ‌تر مادر شوهرها در خانه عروس‌هایشان خواهیم بود! چون سوژه تازه‌ای پیدا خواهند کرد که به عروس تازه از راه رسیده حالی کنند که با چه حمای پسر دسته گلشان را بزرگ کرده و دو دستی تقدیم او کرده‌اند! همین قضیه هم به تقویت بنیان خانواده کمک خواهد کرد.

از سوی دیگر سوژه و شعرهای اصلی طرفداران فمینیسم به شکل واضح تری مطرح می‌شود. البته این عزیزان همین حالا که دیگر کسی کهنه نمی‌شود هم همان شعارها با محور کهنه‌شویی را می‌دهند، ولی اگر پوشک نباشد حرفشان مؤثرتر خواهد بود. بنابراین کمبود پوشک از هر جهت به نفع فمینیست‌ها است!

با این توضیحات کارشناسی (که به تأیید نغد فنر از استادان برجسته و صاحب‌نظر علم پوشک‌شناسی و گوارش اطفال رسیده است) از مسئولان محترم و به ویژه دولت مهربان خواهش می‌کنیم برای این موضوع اقدام عاجلی بکنند و تکلیف بچه‌های مردم را روشن کنند. الان بچه مردم کجا باید کارش را بکند؟ همینجوری پیش برود کل اینای مملکت مشغول سرپا گرفتن بچه‌ها خواهند شد و کار کشور می‌خواهد. یک عده که دارند، آقا‌زاده‌ها و لاکچری‌بازها می‌روند توی پوشک‌های گرم و نرم خارجی گرانبه قیمت قضای حاجت می‌کنند، بر و بچه‌های قشر مستضعف می‌مانند که باید خودشان را نگه دارند! آخه تبعیض تا کجا؟! آقای روحانی این را چی می‌گی؟!

با همت مسئولان یک انبار بزرگ پوشک بچه کشف شد. ولی این اقدام تأثیر خاصی روی قیمت سرسام‌آور و دل‌پیچه‌آور پوشک در بازار نداشت چرا که آن همه پوشک ظرف یکی دو روز توسط نوزادان استعمال شد. از این رو معضل کمبود پوشک یا زیادبود قیمت پوشک همچنان به قوت خود باقی است. کمبود پوشک دلایل مختلفی می‌تواند داشته باشد که ما سعی می‌کنیم در این گزارش به آن‌ها بپردازیم.

با همت مسئولان یک انبار بزرگ پوشک بچه کشف شد. ولی این اقدام تأثیر خاصی روی قیمت سرسام‌آور و دل‌پیچه‌آور پوشک در بازار نداشت چرا که آن همه پوشک ظرف یکی دو روز توسط نوزادان استعمال شد. از این رو معضل کمبود پوشک یا زیادبود قیمت پوشک همچنان به قوت خود باقی است. کمبود پوشک دلایل مختلفی می‌تواند داشته باشد که ما سعی می‌کنیم در این گزارش به آن‌ها بپردازیم.

در وهله اول هر نوع کمبودی در عرضه کالاها به میزان تقاضا مربوط است. در همین راستا باید میزان مصرف پوشک در کشور بررسی و کنترل شود. کودکان ما باید از همان بدو تولد فرهنگ صرفه‌جویی در بیرون‌روی را یاد بگیرند. والدین عزیز هم باید تلاش کنند با اصلاح تغذیه کودک، مقدار مصرف پوشک را به حد استاندارد جهانی یعنی یک عدد در روز کاهش دهند. در حال حاضر این آمار در کشور ما روزانه به طور میانگین ۴ عدد است که جا دارد بگوئیم واقعا چه خبر است عزیزان؟! یک کمی خودتان را کنترل کنید. نمی‌بینید کشور در بحران است؟ شما هم عضوی از این مملکت هستید. خواهش می‌کنیم با درک شرایط، کمی از راحتی و رفاه خود بکاهید و کمتر هزینه‌تراشی کنید. بعد که از بحران عبور کردیم تا دلتان خواست پوشک کثیف کنید، اگر کسی حرفی زد!

پس دلیل اول افزایش مصرف بود که امیدواریم با درایت دولت مدیریت شود. دلیل دوم کاهش تولید است. تولیدکنندگان اعلام کرده‌اند که به دلیل گرانی ارز نمی‌توانند مواد اولیه پوشک را وارد کنند و کارخانه‌ها خوابیده است. راه‌حل این موضوع، با کاهش قیمت دلار است (که غیر ممکن، به نظر می‌رسد چون این روزها نفس که می‌کشیم دلار گران می‌شود، ما هم که نمی‌توانیم نفس نکشیم پس چاره‌ای نیست!) یا اینکه باید سعی کنیم از چیزهای دیگری به جای مواد اولیه



یک‌هزار میلیون بسته پوشک احکام شده در استان البرز کشف شد.

سؤال روز: آیا شهردار باز نشسته است؟

امکانات پارک

آن قانون مستثنا شود یا خیر. اینجا هم پاسخ ساده است؛ هر چقدر افراد خودشان را به قله قدرت سیاسی یعنی پست ریاست جمهوری نزدیک‌تر می‌بینند سطحشان به همان میزان شطرنج بازی کم، ولی بعضی از شورایی‌ها خیلی بهشان برمی‌خورد اگر دومین شهردارشان هم کنار برود. آن وقت ممکن است دو سال دیگر همه‌شان با هم از سیاست بازنشسته شوند و بروند توی پارک. از همه بدتر اینکه توی این مهلته که داشته‌اند کاری هم نکرده‌اند و امکاناتی به پارک‌ها اضافه نکرده‌اند که لاقال خودشان راحت باشند!



از وقتی قانون منع به کارگیری بازنشستگان در مجلس تصویب شد، دعوایی بین رسانه‌های اصلاح‌طلب راه افتاده که آن‌ها را به دو بخش تقسیم می‌کند؛ یک عده می‌گویند شهردار تهران بازنشسته است و باید برود، عده دیگری می‌گویند باید بماند. خب این مسئله یک راه حل ساده دارد، از خود آقای افشانی بپرسید بازنشسته هست یا نیست!

بحث دیگر این است که آیا شهردار تهران هم‌تراز وزرا و استانداران حساب می‌شود که از

مشایی را از کت و شلوار محروم کردند

جوانفکر اعتصاب اتو کرد

«بقای: زنبیل من کو؟ بدون زنبیل به دادگاه نمی‌روم»



بخشی از متن پیاده شده دادگاه دوم مشایی: متهم گفت: باید شرایط من را بپذیرید و اظهارات من پخش شود. قاضی به او پاسخ داد: در حال حاضر اصحاب رسانه در دادگاه حضور دارند و اظهارات شما را منعکس می‌کنند تا همه مطلع شوند. مشایی گفت: من این را قبول ندارم! من باید با کت و شلوار در دادگاه دفاع کنم.

در تحلیل حقوقی این بخش از دفاعیات جناب مشایی، باید گفت که پوشیدن کت و شلوار از حقوق مسلم متهم در جلسه دوم دادگاه است. همانطور که در آوردن پیراهن از حقوق مسلم در جلسه اول بود که ایشان به آن مبادرت ورزیدند! اصولاً وقتی آدم کت و شلوار دارد بیشتر دفاغش می‌آید و به همین دلیل هم هست که قانونگذار این مسئله را در قانون آورده. شاید هم خودش قانونگذار خودش به کت و شلوار علاقه داشته که این را آورده ولی به هر حال این موضوع در قانون هست، به جان خودم! اگر هم نباشد چیزی از ارزش‌های آقای مشایی کم نمی‌کند.

به هر حال ایشان کت و شلوار می‌خواسته و بهش ندادند. به جایش لباس گشاد زندان را دادند که در تصاویر معلوم است که چروک هم بوده و مشخص می‌شود مورد شکستجه قرار گرفته‌اند و اتو بهشان داده نشده است. چون همانطور که می‌دانید داشتن اتو در زندان برای متهمان سیاسی جزو حقوق اساسی است. به همین دلیل هم هست که آقای جوانفکر در اعتراض به دادگاه اعتصاب اتو کرده‌اند و گفته‌اند که تا اتوی مناسب به آقای مشایی کشیده نشود به دادگاه نمی‌روند!

از سوی دیگر حمید بقایی هم به دادگاه نرفت. وکیل ایشان در مصاحبه با خودش اعلام کرد علت عدم حضور موکل بنده در دادگاه، نداشتن وسیله مناسب برای انتقال مدارک و وسایل شخصی‌اش بود و ایشان با وجود درخواست‌های مکرر نسبت به دادن زنبیل قرمز رنگ محبوبشان، از این حق مسلم محروم شده و مورد ظلم قرار گرفته‌اند و تنها یک زنبیل بنفش به ایشان داده شده که این بزرگ‌مرد از پذیرش آن خودداری کرده‌اند. وکیل بقایی همچنین افزود: شاید ایشان می‌خواست در راه برگشت خرید کند، به خاطر همین به زنبیل احتیاج داشته ولی در اجرای این خواسته کوتاهی شده و به همین دلیل ایشان تا اطلاع ثانوی اعتصاب هوا کرده‌اند.

گفتنی است طبق اعلام دادگاه هفته آینده حکم این متهمان صادر می‌شود. در این زمینه هم کاتال دولت بهار نوشت: «مسئولان غذایی!» دروغ می‌گویند چرا که هفته آینده مدت‌ها قبل گذشته است و هفته آینده‌ای وجود ندارد و آن‌ها با این حکم‌های فرمایشی می‌خواهند مردم را فریب و ما را قفلک دهند. ملت به پا خیزید، اگر هم نشد همانطور نشسته‌ام تا ما دفاع کنید. #روحانی_استغفا»



واردات علف خرس آزاد شد

طبق نامه روزهای اخیر یک مقام مسئول به تعدادی از سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط در کار واردات، اعلام شده حسب موافقت وزارت جهاد کشاورزی، واردات برگ خشک گیاه علف خرس با نام علمی «آرپوتین» که برای مصارف دارویی استفاده می‌شود، از تمام کشورها به ایران مجاز است.

پی‌نوشت: پول که علف خرس نیست، ولی پولی با آن علف خرس وارد کنیم از علف خرس هم بی‌ارزش‌تر است واقعا! دیگر فقط همین یکی را کم داشتیم که لیست واردات عجیب و غریب این چند سال تکمیل شود. آدم دلش می‌خواهد برود یک دسته بیل مرغوب وارداتی بخرد و بگوید توی سر خودش!